



Iran Data Portal

Speaker or Agency: Hashemi Rafsanjani

Title: Hashemi Rafsanjani's statement

Language: English, Persian

Western Date: 9 June 2010

Persian Date: 19 Khordad 1389

Source: [http://www.hashemirafsanjani.ir/?type=dynamic\(=1&id=2223](http://www.hashemirafsanjani.ir/?type=dynamic(=1&id=2223);

<http://www.facebook.com/notes/mir-hosseini-mousavi-myr-hsyn-mwsy/dftr-hashmy-rfsnjanyamrwz-skwt-mlhtamyz-rhbry-kar-ra-bh-jayy-rsandh-kh-yk-namzd/398993202605>

Hashemi Rafsanjani's statement

The office of Ayatollah Hashemi Rafsanjani released a response to the republication of the letter written by its head executive. Parts of the response released by the office read:

How is it that Ayatollah Hashemi Rafsanjani's remarks regarding the necessity of a lawful election, as the Friday Prayer Imam assigned by the Supreme Leader, are considered siding with a candidate? Had some been determined who should have been elected since before the election?

What kind of rookie mistake in politics is this that 12 years after the presidential election of the year '76 (1997), first they shamelessly consider themselves the owners of the revolution and second even more shamelessly say that if it wasn't

for the remarks of Hashemi Rafsanjani regarding the crackdown on any cheating in the election, Khatami would not have become the president!? Isn't this them confessing that from that same year they were trying to conceive the illegitimate seed of election forgery in the society's womb?! Isn't the 106 percent participation of all the population of one of the western provinces of the county in the election enough for the lying claimants of the Islamic democracy to be ashamed?!

Why don't you say that the new wave of Ayatollah Hashemi Rafsanjani's concerns for not honoring people's votes and the health of election started when some of the influential individuals in charge of the election were bluntly stating that people's vote in an Islamic government is ceremonial and decorative?

Why is it that when you want to state the sequence of elections in recent years and then analyze it based on your views, you become silent when you reach the 1386 (2007) election for the Assembly of Experts? Why is it that when asked about the amazing results of this election and the significant vote gap between Ayatollah Hashemi Rafsanjani and the second person, they state the presence of his monitoring representatives at the polling stations across the province of Iran as the reason? Doesn't this reason mean that if Ayatollah Hashemi Rafsanjani's representatives were not present at the vote counts the election result would have been different?

Today the silence out of consideration of the Supreme Leader which was pointed to in Ayatollah Hashemi-Rafsanjani's letter [to the supreme leader] made it possible for a candidate (Ahmadinejad) to dare to lie and make false accusations on live TV and in front of a 50-million audience, and the biased newspapers make commitments to make anti-Hashemi titles for their newspapers, with or without excuse.

اطلاعیه دفتر آیت الله هاشمی رفسنجانی:

روزنامه وطن امروز، روز یکشنبه 9 خرداد ماه 1389 به بهانه انتشار نامه سال گذشته آیت الله هاشمی رفسنجانی به مقام معظم رهبری، اقدام به انتشار مجدد نامه رئیس شورای سیاست گذاری خویش نمود.

نامه های که نویسنده با علم به دروغ بودن محتویات و غیراخلاقی بودن ادبیات نوشته خویش از میزان تأثیر آن در تشویش اذهان عمومی آگاه است و با اندک انصاف روزنامه نگاری خواستار پاسخ برای تنویر افکار عمومی شده است .

اگرچه پاسخگویی به نامه های این چنینی که خالی از بدیهیات اخلاقی میباشد، نوعی گام نهادن به بیراهه است و به همین دلیل در چاپ اول، از کنار آن گذشتیم، اما بی پاسخ گذاشتن شبهات، باعث تسریع انحراف کنونی جامعه از اهداف انقلاب اسلامی و ظلمی مضاعف به آیندگان خواهد بود که میخوانند بدانند در مقطع 30 ساله پس از انقلاب اسلامی بر کشورشان چه گذشته و میگذرد!

توضیح ضروری اینکه این پاسخ در کنار مخاطب خاص خویش، مخاطبان عام نیز دارد، به ویژه جوانان روشن ضمیر و پرسشگری که بلوغ عقلی و سیاسی آنان، با فریادهای سهمخواهی و ادبیات قدرت طلبانه گروهی که برای بقای خویش، زبرالحدیدهای امام راحل در مبارزه نفسگیر با رژیم پهلوی، یادگاران مردان و شهدای بزرگ انقلاب چون شهید بهشتی، شهید مطهری، آیت الله طالقانی، شهید رجایی، شهید همت، بیت شریف حضرت امام و مهمتر از همه تاریخ 30 ساله انقلاب اسلامی را متهم به انحراف از خط اصیل اسلام میدانند و با هدف زیر سؤال بردن اقدامات امام راحل و مقام معظم رهبری، امینترین یاران آن دو بزرگوار را آماج تیر تهمت خویش قرار میدهند .

نویسنده متن سراسر تهمت و توهین که کار کردن در شرکت صنعتی پارس خودرو!! مقدمه مسئولیتش در سایت شریف نیوز سابق و روزنامه وطن امروز فعلی میباشد، متن خویش را با جمله به ظاهر زیبایی «اخلاق، گمشده سیاست است» آغاز کرده تا اولاً تئوری شیطننت آمیز جدایی دین از سیاست را القا نماید و ثانیاً با انتساب لقب دروغگویی به آیتالله هاشمی رفسنجانی به عنوان بارزترین روحانی عرصههای تقنینی و اجرایی در تاریخ معاصر، تهمت ها و ادعاهای دین ستیزان و روحانی گریزان را به کمال برساند. همان کاری که آن نامزد انتخاباتی در آن مناظره کذایی در حق سه روحانی دیگر این دو عرصه سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی،

یعنی حجت الاسلام خاتمی، ناطق نوری و کروبی انجام داده است .

نویسنده که به مصداق آن ضرب المثل قدیمی، کم حافظه شده است، متن خویش را با دروغی بزرگتر آغاز کرده است که آیت الله هاشمی رفسنجانی به خاطر اطلاع رسانی وطن امروز از روزنامه شکایت کرده است و این در حالی است که آیت الله هاشمی رفسنجانی از هیچ روزنامه ای و یا هیچ شخصی شکایت نکرده اند؟! !!

بهانه چاپ مجدد این متن سراسر توهین و تهمت، انتشار نامه آیت الله هاشمی رفسنجانی به آیت الله خامنه ای در سایت شخصی است .

توجه به این نکته خالی از لطف نیست که این روزها بعضی از مراکز خبری و رسانهای به بازیابی و انتشار مجدد آن نامه پرداختند که نمونه بارز آن اختصاص دو قسمت از مطالب مسلسل با عنوان «مطالبات غیرقانونی» توسط روزنامه کیهان است که به نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات و نامه ایشان به آیت الله خامنه ای پرداخته است .

چه شده است که انتشار نامه از سوی کیهان افشاگری فتنه و سران فتنه!!! تلقی میشود، اما اگر همین نامه از سوی سایت آیت الله هاشمی رفسنجانی منتشر شود، دمیدن بر آتش فتنه تلقی میگردد؟! !

نویسنده نامه، دفاع آیت الله هاشمی رفسنجانی از دستاوردهای 30 ساله انقلاب در نامه به آیت الله خامنه ای را یک بدعت غیراخلاقی در مخالفت با رهبری معظم انقلاب میدانند و با توجه به سوابق رسانهای خویش فراموش کرده اند که آن بدعت غیراخلاقی، غیرانسانی و غیراسلامی در مناظره تلویزیونی پایه ریزی شده است و اینک توسط پارهای از رسانه های وابسته به یک جریان خاص ادامه دارد .

جای تعجب است که جمله معروف رهبری معظم انقلاب در 14 خرداد 1388 در حرم امام را که فرمودند: «صحیح و موردپسند نیست که یک نامزد در نطق های تلویزیونی برای اثبات خود به نفی دیگران متوسل شود» را یا نشنیدند و یا نمی خواستند بشنوند و رئیس جمهور را ولایی ترین رئیس جمهور تاریخ ایران میدانند و سپس ابراز مطالب خلاف در مناظره تلویزیونی را حق ایشان برای جبران عدم حمایت آیت الله هاشمی رفسنجانی از دولت میشناسند .

به فرض محال که حمایت آیت الله هاشمی رفسنجانی از آقای موسوی در انتخابات مسجل شده بود، آیا به گناه حمایت یک شخص از یک نامزد، باید هر دروغی را که به ذهن می آید، علیه آن شخص و خانواده ایشان در

تلویزیون گفت؟ !

گذشته از همه این مسائل، وقتی شخص آیت الله خامنه ای در ملاقات حضوری با آیت الله هاشمی رفسنجانی می فرمایند درباره اصل و محتوای نامه هیچ ملاحظه ای ندارند و یک بار به صورت خصوصی و یک بار در نماز جمعه هم به خلاف گویی های آن نامزد پاسخ می دهند، چگونه عدهای زیر لوای دروغین حمایت از رهبری، ملاحظه تراشی میکنند؟ !

چگونه است که سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در مقام امام جمعه منصوب مقام ولایت در خصوص لزوم سلامت انتخابات، حمایت از یک نامزد تلقی میشود؟ مگر قبل از انتخابات اسبهای همت زین شده بود که چه کسی انتخاب شود؟ !

سابقه تذکرات آیت الله هاشمی رفسنجانی در خصوص سلامت انتخابات، محدود به دیروز و امروز نیست، از همان ماههای نخستین پس از انقلاب اسلامی که به حکم مستقیم امام راحل به عنوان سرپرست وزارت کشور برای برگزاری انتخابات شدند، وقتی با سخنان دلسوزانه!!! یکی از مسئولین وقت وزارت کشور مواجه شد که بفرمایید انقلاب به چه کسانی نیاز دارد تا نامشان را از صندوق آرای مردم بیرون بیاوریم!!، عتاب آلود آن کلام دلنشین امام را تکرار کرده اند که «میزان رأی مردم است»

این چه شیوه ناشیانه در سیاست است که 12 سال پس از انتخابات ریاست جمهوری سال 76 اولاً و قیحانه خود را همه کاره انقلاب میدانید و ثانیاً و قیحانه تر میگویید اگر سخنان هاشمی رفسنجانی مبنی بر برخورد با تقلب در انتخابات نبود، خاتمی رئیس جمهور نمیشد؟! آیا غیر از این است که اعتراف میکنید از همان سال به دنبال شکل دهی نطفه حرام تقلب انتخاباتی در رحم جامعه بودید؟! آیا حضور 106 درصدی همه مردم یکی از استانهای غربی کشور در همان انتخابات کافی نیست که به عنوان منادیان دروغین مردم سالاری دینی اسلامی خجالت بکشید؟ !

چرا نمیگویید دور جدید اظهار نگرانی های آیت الله هاشمی رفسنجانی از عدم توجه به رأی مردم و سلامت انتخابات از زمانی شروع شده است که بعضی از شخصیتهای مؤثر دست اندرکار انتخابات صراحتاً اعلام میکردند که رأی مردم در حکومت اسلامی تشریفاتی و زینتی است؟ !

چرا وقتی میخواهید تسلسل تاریخ برگزاری انتخابات را طی سالهای اخیر بگویید و براساس دیدگاههای خویش

تحلیل کنید، هنگامی که به انتخابات مجلس خبرگان در سال 1386 میرسید، سکوت میکنید؟! چرا وقتی از نتایج خیره کننده آن انتخابات و فاصله رأی آیت الله هاشمی رفسنجانی با نفر دوم پرسیده میشود، حضور ناظران بیشمار ایشان در همه صندوقهای حوزه انتخابیه استان تهران را دلیل میآورید؟ آیا این دلیل در قرینه خویش پاسخی غیر از این دارد که اگر ناظران آیت الله هاشمی رفسنجانی هنگام شمارش آرا نبودند، نتیجه انتخابات غیر از این بود؟

مگر نمیدانید در همان انتخابات وقتی مقام معظم رهبری حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات خبرگان را «متعین» میخوانند، آیت الله هاشمی رفسنجانی هم نام نویسی خویش را مشروط به عدم دخالت نهادهای غیرمسئول در انتخابات میکنند و مقام معظم رهبری هم میفرمایند: «این شرایط را فراهم میکنم»؟!!

چرا وقتی بحث انتخابات مجلس ششم میشود، فقط و فقط به خاطر عقده های قدیمی و کینه های شخصی با لباس اصولگرایان، مروج اندیشه های آن مبلغ سکولاریسم میشوید؟ چرا فکر نمیکنید که مقدمه انقلاب ستیزی و اسلام ستیزی نویسنده کتاب کذایی عالی جناب سرخپوش هم مثل بعضی از شماها هاشمی ستیزی بوده است؟!!

چرا در بیان نتایج انتخابات مجلس ششم در سال 1378 نعل وارونه میزنید؟ مگر نمیدانید با شمارش مجدد تنها 20 درصد صندوقهای حوزه انتخابیه تهران، که توسط شورای نگهبان انجام میگرفت، آیت الله هاشمی رفسنجانی از رتبه سی ام به نوزدهم رسید؟ مگر نمیدانید وقتی آن آبروریزی داشت اساس انتخابات را زیر سؤال میبرد، رهبر معظم انقلاب دستور توقف بازشماری را صادر فرمودند؟

در فرازی دیگر از نامه به جفاهای اصلاح طلبان در حق آیت الله هاشمی رفسنجانی اشاره شده و آمده است که آن موقع «همین بسیجی ها و امت حزب الله بودند که به میدان دفاع از جنابعالی آمدند.»

اولاً جفای در حق آیت الله هاشمی رفسنجانی معطوف به عملکرد افراطیون دیروز اصلاحطلبی و افراطیون امروز اصولگرایی نیست. اگر اسناد به اصطلاح تاریخی ساواک در قبل از پیروزی انقلاب را ورق میزدید، میخواندید که شیخ اکبر هاشمی 40 میلیون تومان به خرابکاران اجتماعی پیرو امام خمینی(ره) کمک کرده است. اگر تورق آن اوراق را در شأن روحیه دین مداری خویش نمیدانید، تاریخ دو سه سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی را بخوانید که تهمت ها و توهینهای امروز روزنامه وطن امروز، تکرار مطالب روزنامه «انقلاب اسلامی» دیروز است که توسط بنی صدر مدیریت و منتشر میشد.

ثانیاً تفاوت آنها با شما در هتک حرمت شخصیتهای مؤثر انقلاب اسلامی چون شهید هاشمی نژاد، شهید بهشتی،

شهید مفتح، شهید مطهری، شهید رجایی، شهید باهنر، آیت الله خامنه‌ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی، در نوع عملیات ترور فیزیکی و شخصیتی است.

تفاوت دیگر این است که اگر آن روز، گروهی هاشمی ستیزی را نردبانی برای روحانی ستیزی و اسلام ستیزی خویش قرار می‌دادند، فوراً با نهیب «این تذهبون» امام مواجه میشدند و امروز سکوت مصلحت‌آمیز رهبری معظم انقلاب که در نامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به آن اشاره شده، کار را به جایی رسانده که یک نامزد به خود اجازه می‌دهد جلوی 50 میلیون بیننده تلویزیونی دروغ و تهمت بزند و روزنامه‌های همسو قسم یاد کنند که با بهانه و بی‌بهانه هاشمی ستیزی را تیتراهای اول و دوم هر روز خویش کنند.

ثالثاً، امت حزب الله و بسیجی‌های واقعی دیروز که با قانون سهمیه حضور رزمندگان در دانشگاهها، محققان و استادان دانشجویان امروز هستند و با اعتراف نماینده ولی فقیه در دانشگاهها 70 درصد با افراطیونی چون شما نیستند، خون دل می‌خورند و وقتی می‌بینند به بهانه‌های سیاسی، فرمانده شهدا، بسیجیان، سپاهیان و ارتشیان در 8 سال دفاع مقدس آماج تهمت‌ها قرار می‌گیرد و به قول خویش در آن نامه صبوری پیشه می‌کند، بر مظلومیت شهدا و فرمانده‌شان اشک میریزند. مشکل اینجاست که اول بسیجیان قدیم را خانه نشین کردید و سپس لباس آنان را پوشیدید و به فرمانده‌شان می‌تازید. حکایتی که یادآور آن واقعه‌های است که شخصی به آیت الله العظمی بروجردی عرض کرد که یک روحانی را در حال دزدی گرفتند و حضرتش برآشفته و گفت: نگویید یک روحانی دزدی می‌کرد، بگویید دزدی لباس روحانیت پوشیده بود.

رابعاً، گیریم که گروه اندک شما همان گروه کثیر مردمی حامیان آیت الله هاشمی رفسنجانی در توطئه‌های تجزیه طلبی و شورش‌های کور و بعدها در غائله 14 اسفند 1360 و بعدها در غائله اسفندماه 1378 است، چه شده است که کفار آن حمایت‌ها را، تهمت‌های امروز قرار داده‌اید و عمق گناهی که برای آن حمایت‌ها احساس می‌کنید، چقدر است که تهمت‌ها را با توهین آمیخته‌اید، کلاه انصاف از سر گرفته‌اید و لباس بی‌تقوایی به تن کرده‌اید؟

دور از شأن شما در ادعای اصولگرایی و سیاستمداری است که در نقادی‌ها اینگونه ناشیانه قلم روزنامه‌نگاری به دست گیرید و در یک متن به اصطلاح نامه دچار تضادهای آنچنانی شوید !!!

از یک طرف شکست آقای ناطق نوری در انتخابات 76 را نتیجه به تنگ آمدن مردم از سیاستهای دولت سازندگی میدانید و از طرف دیگر به میدان آمدن فرزندان آیت الله هاشمی رفسنجانی و حزب کارگزاران را عامل پیروزی آقای خاتمی در همان انتخابات میدانید !!

از یک طرف پیشبینی های اظهر من الشمس نارضایتی مردم از سوی رئیس عالیترین مجمع مشورتی مقام معظم رهبری به ایشان را القای تقلب در انتخابات میدانید و از طرف دیگر جمله معروف آن نماینده مجلس را که میگفت: «باشید تا رأی 24 میلیونی آقای احمدی نژاد را در فردای انتخابات ببینید» حاصل درایت و دوراندیشی میدانید؟! !!

از یک طرف قانون وضع میکنید که آیت الله هاشمی رفسنجانی میبایست برای افزایش «مشارکت حداقلی» در قبال سیل تهمت ها و توهین ها و دروغ ها تا پس از انتخابات ریاست جمهوری سکوت اختیار میکرد و از طرف دیگر حکم شرعی می دهید که آن نامزد انتخابات برای افزایش «مشارکت حداکثری» دروغهای مناظره را در سخنرانی ها و مصاحبه های انتخاباتی تکرار کند !!!

از یک طرف میگویید «ما نمی گوئیم نامه آیت الله هاشمی رفسنجانی با نیت تقویت اردوگشی خیابانی نوشته شده و از طرف دیگر در چند سطر پایین تر میگویند «نامه هاشمی برای پشتیبانی از آشوبگران نوشته شده بود.» از یک طرف ابراز نگرانی میکنید که فلان تنوریسین اجتماعی که به غرب گریخته، در نوشته های خویش اختلاف مسئولان عالی رتبه نظام را القا میکند و از طرف دیگر برای فراگیری این القای شیطانی از هیچ روزنی دریغ نمیکنید؟! !

این بی انصافیها نتیجه کدام نوع نگاه به مسئولان جمهوری اسلامی است؟ چرا برای جبران ضعف عملکرد خویش در اقتصاد و فرهنگ، راه چاره را دشمنتراشی از میان انقلابیون سابق میدانید؟ اگر آیتالله هاشمی رفسنجانی سکوت اختیار میکنند، برآشفته میشوید و وقتی لب به سخن میکشاید که اساس اسلام با رأی مردم بود و خواهد بود، آشفته تر می شوید؟! !

نویسنده نامه که گویا نمایندگی همکاران رسانه های خویش در یک جناح خاص را در نگارش این نامه به دوش میکشد، در هر جای نامه که فرصتی دست داد، مظلوم نمایی کرده و از شکایت سخن گفت؟! !!

شکایتی که هرگز و هیچگاه شخص آیتالله هاشمی رفسنجانی از رسانه یا فردی نکرده است؟! !!

امید آنکه این مرقومه کوتاه، پاسخ به همه تهمت ها و توهین هایی باشد که از یک سال گذشته و همزمان با مناظره تلویزیونی شب 13 خرداد کلید خورد و هنوز هم ادامه دارد، هر چند میدانیم هدف نویسندگانی از این دست شفاف سازی و اطلاع رسانی نیست، وگرنه با کمترین تأمل در سخنرانی های دو همسنگر دیرین یعنی آیت الله

خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی پی خواهند برد که القای اختلاف آن دو بزرگوار یک «توهم» بیش نیست . شاید یکی از گناهان نابخشودنی آیت الله هاشمی رفسنجانی از دیدگاه مدعیان دروغین پیرو خط امام و رهبری که اینگونه هتاکانه به ایشان می تازند، عنایت ویژه امام به آیت الله هاشمی رفسنجانی باشد که «وجود ایشان را برای انقلاب مفید میدانستند.»

و چه زیبا و دقیق آن عبد صالح در 28 سال قبل پیش بینی فرمودند: «... احتمال قوی میدهم که بعد از من برای انتقام جویی از من به بعضی از نزدیکان و دوستانم تهمت های ناروا بزنند و به آتشی که باید مرا بسوزانند، آنان را بسوزانند...» (صحیفه نور، جلد 17، ص)

برای حسن ختام توجه کسانی که خود را در خط امام میدانند و هتاکانه به حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی میتازند، به خاطرهای از آیت الله حائری شیرازی جلب مینماییم که روزنامه دولتی ایران در تاریخ 1389/3/12 نقل و منتشر کرده است: «حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در دوران ریاست جمهوری به من فرموده بودند هر زمان آیت الله هاشمی رفسنجانی به مسافرت میرفت، امام(ره) گوسفندی را برای سلامتی ایشان قربانی میکردند و زمانی که ایشان از سفر بازمیگشت نیز امام(ره) گوسفند دیگری را به شکرانه سلامتی اش قربانی میکردند و برای ایشان اهمیت ویژه ای قائل بودند و معتقد بودند که وجود آیت الله هاشمی رفسنجانی برای انقلاب لازم است.»

امید آنکه در بیان تاریخ و خاطرات دوران مبارزه و پیروزی، حبّ و بغض ها مانع بیان حقیقت ها نشود و بیان واقعیت ها متقدم بر همه دروغها باشد که این بهترین کار برای رسانه و ارباب رسانه هاست .

والسلام علی من اتبع الهدی